

واکاوی نظریه‌بازی‌های دادرسی مدنی با تأکید بر بازی دادرسی همکارانه

بهنام حبیبی^۱

شهرام حبیبی^۲

چکیده

نظریه‌بازی‌ها شاخه‌ای از ریاضیات کاربردی هستند که در آن راهبرد و استراتژی هر بازیگر در تصمیم و رفتار بازیگر دیگر اثرگذار است. بنابراین نوعی وابستگی درونی بین منافع بازیگران (کنش‌گران) وجود دارد که انتخاب نوع بازی را نیز متأثر می‌کند. در واقع، نظریه‌بازی‌ها به دنبال تحلیل تعارض منافع بازیگران بر مبنای شیوه بازی انتخاب شده است. نظریه‌بازی دادرسی مدنی به دنبال واکاوی رفتار بازیگران دادرسی، به‌ویژه متداعیین، با هدف تحلیل رفتار دادرسی و دستیابی به انتخاب بهترین شیوه حل اختلاف است. اما متغیرهایی مانند انتظارات طرفین دعوا از سیستم قضایی، اطلاعات ناقص آنها، قواعد دادرسی ناکارآمد و انگیزه‌های غیرمنطقی، ممکن است اثر سوء بر «انتخاب استراتژی» داشته باشد و در نهایت نتیجه مطلوب از دادرسی به‌دست نمی‌آید. بازی دادرسی مدنی امکان دارد همکارانه (تعاونی) یا ناهمکارانه (غیرتعاونی) باشد. در بازی دادرسی مدنی ناهمکارانه، استراتژی هر بازیگر محافظه‌کارانه، و نتیجه بازی هم پیش‌بینی نشدنی و حذفی (برد- باخت) است. برعکس، در بازی دادرسی مدنی همکارانه، هر بازیگر از بازی بازیگر دیگر آگاهی دارد. اطلاعات بازیگران تا اندازه‌ای به اشتراک گذاشته می‌شود و نتیجه بازی را هم می‌توان پیش‌بینی کرد و غیر جمع صفری (برد^۰ برد) است. در این نوشتار، ابتدا به مفهوم و ارکان نظریه‌بازی‌ها، و سپس به عناصر مؤثر بر انتخاب نوع بازی و انواع بازی دادرسی مدنی با تأکید بر بازی دادرسی مدنی همکارانه پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی: انتخاب، بازی دادرسی مدنی، بازی دادرسی همکارانه، نظریه‌بازی.

مقدمه

نظریه‌بازی‌ها حوزه‌ای از ریاضیات کاربردی هستند که طی آن رفتار راهبردی بازیگران مطالعه و بررسی می‌شود. این نظریه را می‌توان نظریهٔ تصمیم‌گیری نیز نامید. نظریه‌بازی در تلاش است تا موقعیت‌هایی را که در آن منافع متضاد افراد وجود دارد، الگوسازی کند. این موقعیت هنگامی پدید می‌آید که موفقیت فرد و تصمیم او وابسته به تصمیم و استراتژی‌هایی باشد که طرف مقابل انتخاب می‌کند.

به لحاظ جایگاه تاریخی این نظریه، باید گفت که در سال ۱۹۲۱م یک ریاضی‌دان فرانسوی به نام امیل برل^۱ برای نخستین بار به مطالعهٔ تعدادی از بازی‌های رایج در قمارخانه‌ها پرداخت و تعدادی مقاله دربارهٔ آنها نوشت. او در این مقاله‌ها بر قابل پیش‌بینی بودن نتیجه‌های این نوع بازی‌ها به روشی منطقی تأکید کرده بود. برل نخستین کسی بود که به‌طور جدی به موضوع بازی‌ها پرداخت، اما به دلیل آنکه تلاشی برای گسترش ایده‌های خود انجام نداد، بسیاری از مورخان ایجاد نظریه‌بازی را نه به او، بلکه به جان فون نویمان^۲، ریاضی‌دان مجارستانی، نسبت داده‌اند. آنچه نویمان را به توسعهٔ نظریه‌بازی ترغیب کرد، توجه ویژهٔ او به یک بازی با ورق بود. او دریافته بود که نتیجهٔ این بازی احتمالاً تنها با تئوری تعیین نمی‌شود. او شیوهٔ بلوف زدن را در این بازی فرمول‌بندی کرد. بلوف زدن در بازی به معنای راهکار فریب‌دادن دیگر بازیکنان و پنهان کردن اطلاعات از آنهاست.

در سال ۱۹۲۸م او به همراه اسکار مونگسترن^۳ که اقتصاددانی اتریشی بود، کتاب تئوری بازی‌ها و رفتار اقتصادی را نوشت. اگرچه این کتاب فقط برای اقتصاددانان نوشته شده بود، کاربردهای آن در روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، سیاست، جنگ، بازی‌های تفریحی و بسیاری زمینه‌های دیگر به‌زودی آشکار شد. نویمان بر اساس راهبردهای موجود در یک بازی ویژه شبیه شطرنج، توانست کنش‌های میان دو کشور ایالات متحدهٔ آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی را در خلال جنگ سرد با درنظر گرفتن آنها به‌عنوان دو بازیکن در یک بازی

1. Emile Borel

2. John Von Neumann

3. Oskar Mongenstern

مجموع صفر مدل‌سازی کند. از آن پس، پیشرفت این دانش با سرعت بیشتری در زمینه‌های گوناگون پیگیری شد و از جمله در دهه ۱۹۷۰م به‌طور چشمگیری در زیست‌شناسی برای توضیح پدیده‌های زیستی به‌کار گرفته شد. در سال ۱۹۹۴م جان نش^۱ به همراه دو نفر دیگر به دلیل مطالعات خلاقانه خود در زمینه تئوری بازی، برندهٔ جایزهٔ نوبل اقتصاد شد. در سال‌های بعد نیز برندگان جایزهٔ نوبل اقتصاد عموماً از میان نظریه‌پردازان بازی انتخاب شدند.

سنتز حقوق و اقتصاد باعث شد تا نظریه‌بازی در قواعد و رفتارهای حقوقی نیز وارد شود. معمای زندانی را باید به‌عنوان یکی از نمونه‌های حقوقی این نظریه نام برد. از نظریهٔ انتخاب عمومی در حوزهٔ حقوق عمومی گرفته تا نظریهٔ ترجیحات در نظام دادرسی مدنی، همگی برگرفته از نظریه‌بازی‌ها است. بدیهی است که در پژوهش‌های حقوقی و در عرصهٔ حقوق داخلی به این نظریه وقعی ننهادند، اما در معدود تألیفات خارجی به نقش نظریه‌بازی‌ها در حقوق، و به‌طور انگشت‌شمار در نظام دادرسی مدنی پرداخته شده است.^۲ در واقع این نظریه از منظر «رفتار» اصحاب دعوا به سراغ عوامل مؤثر بر تصمیم آنها می‌رود. کاربرد گستردهٔ نظریه‌بازی در حقوق موجب شده تا برخی اقتصاددانان برجسته، مانند فیشر، ادعا کنند که کارکرد نظریه‌بازی‌ها در حقوق بیش از اقتصاد است.^۳

این نوشتار در پی تبیین مفهوم نظریه‌بازی است و پس از مفهوم‌شناسی نظریه‌بازی، به ارکان و انواع نظریه‌بازی دادرسی با تأکید بر دادرسی همکارانه پرداخته خواهد شد.

1. John Nash

۲. برای نمونه می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد:

1. Douglas G. Baird, Robert Gertner, Randal Picker, " **Game Theory and The Law**", Harvard University Press, 1998

2. Robert G. Bone, " **The Economics of Civil Procedure**", Foundation Press, 2002

3. Wolfgang Ryll, " **Litigation and Settlement in a Game With Incomplete Information**", Springer Pub, 1996

4. Eric B. Rasmusen, " **Game Theory and The Law**", Edward Elgar Pub, 2008

کتاب اخیر شامل مجموعه مقالات گوناگون در خصوص رویکردهای اقتصادی به موضوعات متنوع حقوقی است.

۳. دادگر، بداله (۱۳۸۹)، **مؤلفه‌ها و ابعاد اساسی حقوق اقتصاد**، ص ۳۰۸، انتشارات پژوهشکدهٔ اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

و نور علم؛ به منظور آگاهی از کاربردهای نظریه‌بازی در حقوق نیز نک: Baird D, " **Game Theory**", Harvard University Press, 1994

۱. مفهوم نظریه بازی^۱

نظریه بازی عبارت است از علم مطالعه تصمیم‌های استراتژیک که طی آن، انتخاب هر استراتژی و راهبرد از ناحیه یک بازیگر در راهبرد و تصمیم بازیگر دیگر نیز اثر می‌گذارد.^۲ جان فون نویمان و اسکار مور گنسترن نظریه بازی را برای شناساندن رفتار اقتصادی معرفی کرده‌اند. الگوی آنها دربرگیرنده دو یا چند بازیگر است که با دراختیار داشتن اطلاعات مربوط به شقوق گوناگون انتخاب‌های استراتژیک خود و بازدهی حاصل از انتخاب‌های هر کدام از آنها با توجه به انتخاب‌های ممکن بازیگر مقابل، به‌طور هوشمندانه دست به انتخاب استراتژی مناسب می‌زنند.^۳ بنابراین هر الگوی بازی تشکیل شده از مجموعه بازیگران، استراتژی‌های ممکن برای هر بازیگر و توابع بازدهی است. برخی دیگر از اقتصاددانان نیز نظریه بازی را علم بررسی تعارض منافع و همکاری بین بازیکنان عاقل تعریف کرده‌اند.^۴

آرتور جاکوبسن^۵ در مقاله «مبانی نظریه بازی»، این الگو را در حقوق، ابزاری برای دستیابی به هماهنگی و دسترسی به عدالت می‌داند. وی نظریه بازی‌ها را الگوی هنری دادرسی^۶ معرفی می‌کند. ریچارد تایلر و همکارانش نیز در مقاله «رهیافت رفتارگرایانه به حقوق و اقتصاد»^۸، عقلانیت و خردمندی در رفتار افراد حقوقی را از فرض‌های نظریه بازی به‌شمار آورده‌اند و هدف از این نظریه را دستیابی به تعادل و بیشینه‌سازی منافع بازیگران می‌دانند.

بر اساس تعریف‌های به‌دست آمده از نظریه بازی‌ها و با درنظر گرفتن دو مؤلفه امکان انتخاب و عقلانیت‌گرایی، باید نظریه بازی دادرسی را با توجه به نوع بازی تعریف کرد. در

1. Game Theory

2. Hazewinkel, Michiel, **Game Theory**, Springer, 2001

۳. مجیدزاده، رضا و نیرومند، ارمان، کاربرد نظریه بازی در تحلیل تاریخ اقتصادی، ص ۴۸.

۴. عبدلی، قهرمان (۱۳۹۲)، نظریه بازی‌ها و کاربردهای آن، ص ۱۵، انتشارات سمت.

5. Arthur Jacobson

6. Arthur J., Jacobson, **Origins of The Game Theory**, Cardozo Law Review, Vol.20, 2008, p.1335.

7. Musical Model of Trial.

8. Richard, Thaler & Christine, Jolls & Cass R. Sunstein, **A Behavioral Approach to Law and Economics**, Stanford Law Review, Vol 50, P.1471.

این حالت است که به دو نظریه بازی دادرسی همکارانه و بازی دادرسی ناهمکارانه دست می‌یازیم. بازی دادرسی همکارانه عبارت از تصمیم آگاهانه هر بازیگر در خصوص راهبرد بازیگر دیگر برای تقسیم منافع مشترک و دستیابی به وضعیت بهینه است. اما بازی دادرسی ناهمکارانه که در ادبیات دادرسی به آن دادرسی ترافع محور نیز می‌گویند، عبارت است از انتخاب ناشی از تصمیم‌گیری یک بازیگر در قبال هرگونه انتخاب احتمالی بازیگر مقابل. بنابراین، وجه مشترک هر دو بازی انتخاب راهبرد است. در نوع همکارانه، نوع انتخاب راهبرد و نتیجه آن را با امکان بیشینه‌سازی منافع هر دو طرف می‌توان پیش‌بینی کرد. اما در نوع ناهمکارانه، به دلیل آنکه زمین بازی، مانند میدان جنگ، و نوع تصمیم‌ها، یک‌طرفه و همراه با اطلاعات ناقص است، نتیجه مطلوب و بهینه به دست نمی‌آید. از همین رو، ماهیت بازی پیرو نوع بازی است.

۲. عناصر بازی

دو اصل وابستگی و تعارض منافع از عناصر جدایی‌ناپذیر در نظریه بازی‌ها به‌شمار می‌آیند که در این بخش بررسی خواهند شد.

۱.۲. اصل وابستگی

عنصر مهم در نظریه بازی‌ها، وابستگی درونی میان استراتژی‌های بازیگراهاست و این ارتباط و وابستگی نیز دو گونه است: وابستگی پیاپی^۱ و وابستگی هم‌زمان^۲. در نوع پیاپی، بازیگرها به ترتیب و خطی عمل می‌کنند؛ به همین دلیل، هریک از اقدامات دیگری آگاهی دارند^۳. در وابستگی هم‌زمان بازیگرها در یک زمان عمل می‌کنند و هریک از اقدامات دیگری بی‌خبر است. برخلاف بازی‌های پیاپی که در آنها زنجیره استدلال خطی است، در این نوع بازی‌ها یک دور منطقی حاکم است. در واقع اگرچه بازیگرها به صورت هم‌زمان و بدون اطلاع از رفتارهای کنونی همدیگر عمل می‌کنند، همه آنها می‌دانند که بازیگر مقابل کاملاً با آگاهی و عقلانیت اقدام می‌کند. طبق این تفکر، هر فرد «فکر می‌کند که بازیگر

1. Sequential

2. Simultaneous

3. Nash, John, *Non – Cooperative Games*, The Annals of Mathematics, Second Series, Vol.54, 1951, p. 287.

مقابل فکر می کند که او فکر می کند...». بنابراین هر بازیگر باید خود را به لحاظ ذهنی جای تمامی بازیگرها بگذارد و بکوشد تا پیامد هر رفتار را برشمارد. توماس شلینگ در کتاب راهبرد تعارض به این نوع وابستگی پرداخته است.^۱

وابستگی در دادرسی را باید به اعتبار طرف‌های آن و نوع وابستگی از هم متمایز کرد. وابستگی منافع خواهان و خوانده به یکدیگر نوعی وابستگی درونی است. در عین حال، وابستگی منافع سیستم قضایی با اصحاب دعوا نیز از نوع وابستگی بیرونی است. در اینجا هدف از وابستگی، وابستگی درونی میان منافع متضاد خواهان و خوانده است. نوع وابستگی در سیستم دادرسی توافقی نیز در اصل وابستگی هم‌زمان است.

به نظر می‌رسد وابستگی درونی بین منافع اصحاب دعوا را باید به منافع ماهوی و اجرایی (عملیاتی) تقسیم کرد. در وابستگی منافع ماهوی، تنیدگی منافع به دلیل ادعای استیفای ناروا، تصرف عدوانی، عدم تسلیم مبیع، عدم تمکین و غیره وجود دارد. به همین دلیل است که ذی‌نفع بودن در اقامه دعوا برای خواهان شرط است. بنابراین خواهان مدعی است که حق وی از ناحیه خوانده تضییع یا نادیده انگاشته شده و خواستار احقاق حق برای دستیابی به حق (منفعت) است. اما وابستگی اجرایی در خصوص استفاده اصحاب دعوا از فرصت‌های آیینی با هدف انتخاب راهبرد مناسب است که طی آن هرگونه رفتار دادرسی از سوی یکی از طرفین به‌عنوان بازیگر دادرسی، در منافع و در نهایت انتخاب راهبرد از طرف دیگر نیز مؤثر می‌باشد. برای نمونه، استرداد دادخواست از سوی خواهان باعث لغو دادخواست تقابل می‌شود یا اقرار یکی از طرفین در پیامد دعوا و اتخاذ راهبرد از ناحیه دیگر مؤثر است؛ همچنین ارائه نکردن اصول اسناد در جلسه نخست دادرسی و در پی آن انتخاب راهبرد متناسب با شرایط از سوی بازیگر طرف مقابل.

۲.۲. اصل تعارض منافع

یکی دیگر از عناصر اصلی در نظریه‌بازی‌ها، اصل تعارض منافع است. اساساً نظریه‌بازی‌ها برای شرایط رقابتی و تعارض منافع طراحی شده‌اند. این تعارض منافع امکان دارد در یک بازی تفننی (سرگرمی) مانند شطرنج یا بازی‌های دوستانه و مصالحه‌ای، و یا در

1. Schelling, Thomas C, **Strategy of Conflict**, Harvard University Press, 1960.

یک بازی تعابنی و جدی باشد. عموماً هدف از نظریه‌بازی، رویکرد علمی و تعابنی آن است. این بازی ممکن است بین دو شرکت، دو حزب سیاسی، دو مذاکره‌کننده قراردادی، دادرس و اصحاب دعوی، یا بین خواهان و خوانده در یک پرونده حقوقی باشد.^۱

بنابراین، تعارض منافع، اساس شکل‌گیری ادعاهاست. یک بازیگر مدعی انجام تعهد است و دیگری مدعی انجام ندادن تعهد. بازیگری مدعی ایفای دین است و دیگری عدم ایفای دین. به‌هرحال، این کشمکش‌ها و به‌هم تنیدگی و تعارض در منافع، در انتخاب نوع راهبرد و استراتژی از ناحیهٔ هریک از بازیگران مؤثر است.

بدیهی است که استراتژی بازی دادرسی مدنی تا اندازهٔ زیادی در اختیار اصحاب دعواست؛ اما چنانچه نوع بازی دادرسی ترافی باشد، مهندسی بازی در شرایط عدم اطمینان شکل می‌گیرد. در این شرایط شیوهٔ بازی ناهمکارانه بوده، اطلاعات در آن ناقص و نامتقارن است.^۲

توماس شلینگ، از اقتصاددانان برجسته، نیز اعتقاد داشت که عموماً شیوهٔ ناهمکارانه و غیرتعاونی در رویارویی با تعارض منافع به‌کار گرفته می‌شود.^۳ وی در کتاب *راهبرد تعارض‌ها* دو حوزهٔ تعارض منافع عمومی و خصوصی را از هم جدا کرد و به لحاظ زمانی نیز بین منافع درازمدت و تکراری با منافع کوتاه‌مدت و موردی قائل به تفکیک شد.^۴ شلینگ به تعارض میان دو مذاکره‌کننده در مذاکرات تجارتي اشاره می‌کند و با این فرض که روابط تجاری آنها مستمر و ناهمکارانه باشد، دستیابی به توافق^۵ را بهتر از توافق نکردن می‌داند. اگرچه که طی این توافق، «بخشی از کیک» (منافع) سهم هرکدام از بازیگران شود. به نظر نویسنده، استراتژی تمثیل‌وار توماس شلینگ، در ادامه از رویکرد ناهمکارانه به سوی رویکرد همکارانه و تعاونی سوق داده شده است. این نمونه‌ها را در نظام دادرسی مدنی نیز می‌توان عرضه

۱. گفتنی است که در سال ۲۰۰۵م جایزهٔ نوبل به آقای رابرت آمان (ریاضی‌دان) و توماس شلینگ (اقتصاددان) به دلیل مطالعه در زمینهٔ تعارض و همکاری در نظریه‌بازی‌ها تعلق گرفت. ر.ک. Katarzyna, Zbiec, **Conflict and Cooperation in Terms of Game Theory**, Bialystok University, 2006, p.41 ° 47

۲. حبیبی درگاه، بهنام (۱۳۹۲)، *حقوق و اقتصاد*، انتشارات جنگل جاودانه، پانوش ۲ از ص ۶۳

3. Ibid, p.41

4. ibid & Thomas, Schelling, op.cit, p. 11

5. Agreement

6. Part of Cake

کرد؛ از جمله اینکه استراتژی ناهمکارانهٔ اصحاب دعوا در فرایند دادرسی توافقی ممکن است به استراتژی همکارانه مانند استراتژی سازش یا داوری بینجامد. بنابراین، آنچه که اهمیت دارد، فرض استراتژی و راهبرد ناهمکارانه در روابط واقعی مردم و وجود عنصر تعارض در منافع بازیگران است.

۳. ارکان نظریه بازی

در خصوص نظریه بازی‌ها، سه رکن بازیگرها، استراتژی‌ها و پیامد بازی مورد توجه است.

۱.۳. بازیگرها

بازیگران یا کنش‌گران^۱ از ارکان اصلی در نظریه بازی‌ها به‌شمار می‌آیند. بازیگران با طراحی شیوه بازی و با توجه به منطق و قواعد بازی، اقدام به مهندسی استراتژی و راهبری آن می‌کنند. بنابراین در یک بازی حداقل دو بازیگر را می‌توان تصور کرد. مؤلفه‌هایی همچون سازه ذهنی، اندازه شناخت از یکدیگر، میزان اطلاعات از قواعد بازی و استراتژی بازیگر مقابل و بافت اجتماعی بازی، سازنده کنش متقابل بازیگران هستند.^۲

فرض بر این است که هر بازیگر در جریان بازی دو ویژگی دارد: عقلانیت‌گرایی و فرصت‌طلبی. عقلانیت‌گرایی به معنای آگاهی از قواعد بازی و بازیگری هوشمندانه در جریان بازی است، و فرصت‌طلبی نیز تلاش برای به‌دست آوردن اطلاعات بازی، کوشش برای پی بردن به استراتژی‌های یقینی یا احتمالی بازیگر مقابل و درنهایت، بیشینه‌سازی منافع شخصی می‌باشد. با این دو ویژگی، رویکرد بازیگران رویکردی فعالانه^۳ است.

همچنین در نظام دادرسی مدنی، همهٔ کارگزاران حقوقی از جمله قانون‌گذاران، حقوق‌دانان، وکلا و قضات دادگستری، و اصحاب دعاوی در زمرهٔ بازیگران نظام دادرسی

1. Actors = Players

2. Rasmussen, Eric, "Law and Game Theory", at: <http://www.rasmusen.org/paperss.pdf>, p.2.

۳. به‌طور کلی رفتار بازیگران دادرسی امکان دارد منفعلانه (خنثی) یا فعالانه باشد. این رفتارها نیز ممکن است در تمام جریان دادرسی حاکم باشد یا از مرحله‌ای یا مقطعی از دادرسی به مرحله یا مقطعی دیگر در نوسان باشد. برای نمونه استقبال نکردن خواننده از دعوی مطرح شده و پیگیری نکردن وی امکان دارد مصداقی از رفتار منفعلانه باشد. همین رفتار را در خصوص رها کردن دعوا و پیگیری نکردن خواهان می‌توان مثال زد. از سوی دیگر، رفتار فعالانهٔ اصحاب دعوا ممکن است محافظه‌کارانه یا شفاف باشد که در جای خود باید به آن پرداخت.

به‌شمار می‌آیند. قانون‌گذاران بر مبنای نظریه انتخاب عمومی^۱ به‌گزینش قوانین دست می‌زنند. حقوق‌دانان بر مبنای دو مقوله تفکرات شخصی و بافت اجتماعی^۲ حقوقی به تفسیر و تحلیل حقوقی می‌پردازند. وکلا و قضات دادگستری با ملاحظه منافع موکل و ساختار قضایی به استدلال و انطباق امور موضوعی بر بنیان امور حکمی نظر دارند. اصحاب دعاوی نیز بر مبنای متغیرهای مؤثر در رفتارهایشان، به راهبری دعوا و انتخاب استراتژی همت می‌گمارند.

بدیهی است، نظریه‌بازی‌ها بر مبنای رفتار بازیگران بنا نهاده شده است؛ به همین دلیل فرایند دادرسی مدنی به اعتبار رفتار اصحاب دعاوی تحلیل می‌شود. عوامل مؤثر در تحلیل رفتار بازیگران دادرسی با هدف انتخاب استراتژی مناسب، به قواعد دادرسی مدنی، مدیریت سیستم قضایی، فرهنگ حقوقی، اطلاعات اصحاب دعوا از پرونده و رفتار احتمالی بازیگر مقابل بستگی دارد.^۳ رفتار بازیگران دادرسی اصولاً به دلیل تعارض منافع، ناهمکارانه و غیرتعاونی است، اما این رفتار ممکن است همکارانه و مشارکتی نیز باشد.

۲.۳. راهبردها

در نظریه‌بازی‌ها، رفتار استراتژیک مربوط به شرایطی است که تصمیم یک فرد یا شرکت به‌عنوان بازیگر، به تصمیم‌گیری بازیگر مقابل می‌انجامد که آن نیز بر تصمیم بازیگر اول تأثیر می‌گذارد. به این ترتیب، تصمیم استراتژیک و راهبردی تصمیمی است که بر اساس بررسی نتایج تصمیم اولی بر دومی و در پی آن، اثر آن بر چگونگی تصمیم‌گیری فرد اول مبتنی است.^۴ بنابراین در قالب استراتژی، شکل کامل برنامه رفتار بازیگر، چگونگی بازی رقیبان و احتمال اتفاق‌های گوناگون در بازی، طراحی می‌شود.^۴ فیلیپ استرافن در کتاب

1. Theory of Public Choice.

۲. از جمله مقالاتی که می‌توان در زمینه تحلیل دادرسی بر مبنای رفتار اصحاب دعوا اشاره کرد، اینها هستند: Cooter, Robert, **Economic Analysis of Legal Disputes and Their Resolution**, Journal of Economic Literature, 1989.

Png, Ivan, **Strategic Behavior in Suit, Settlement and Trial**, The Bell Journal of Economics, 1983.

۳. یکانگی دستگردی، وحید، «تئوری بازی‌ها»، *دانشنامه اقتصاد شهر*، شماره ۸، زمستان ۱۳۸۹، ص ۱۳۶.

۴. دادگر، یداله، پیشین، ص ۳۱۶.

نظریه‌بازی و راهبردها^۱، نظریه‌بازی‌ها را نظریه‌ راهبردها نام نهاده و معتقد است که بررسی تعارض از سوی بازیگرها به انتخاب نوع استراتژی می‌انجامد. نوع استراتژی برگزیده نیز در پیامد بازی^۲ مؤثر است.

راهبردهای بازی را از منظرهای گوناگون می‌توان تقسیم کرد. راهبرد انتخاب‌شده ممکن است منطقی یا غیرمنطقی^۳، خالص یا ترکیبی^۴، و مسلط یا ضعیف^۵ باشد. در راهبرد منطقی، بازیگر درست بررسی می‌کند و تصمیم می‌گیرد و تقریباً درست پیش‌بینی می‌کند. در این حالت است که یک راهبرد مناسب با شرایط بازی و با ملاحظه بافت اجتماعی^۶، گزینش و به‌کار بسته می‌شود. بدیهی است که اگر به شرایط بازی یا زمینه‌های اجتماعی بازی در انتخاب راهبرد توجه نشود یا بازیگر راهبردی را به صورت قمارگونه، احساسی یا با ناآگاهی انتخاب کند، این انتخاب یک راهبرد مناسب نبوده، غیرمنطقی خواهد بود. در راهبرد خالص، هر بازیگر فقط یک انتخاب دارد؛ به همین دلیل پیش‌بینی پیامد بازی نیز تا اندازه‌ای ساده و در دسترس است^۷. حال آنکه در راهبرد ترکیبی، هر بازیگر ترکیبی از دو یا چند انتخاب دارد و بازیگری به راهبرد تسلط نزدیک می‌شود که برترین استراتژی ترکیبی را برگزیند. به‌هرحال، نامعین بودن انتخاب راهبرد از سوی بازیگران، رسیدن به پیامد تعادلی را با چالش روبرو می‌سازد. اما بازیگر منطقی در کنار راهبرد اصلی، راهبردهای جایگزین را نیز پیگیری

1. Straffin, Philip, *Game Theory and Strategy*, Published in Washington by The Mathematical Association of America, 1993, p.15.

2. Outcome of Game

3. Rational & Irrational Strategies

4. Pure & Mixed Strategies

5. Strongly & Weakly Strategies

۶. یکی از متغیرهای مهم در بازی‌ها، بافت اجتماعی و ساختاری بازی است؛ به‌ویژه در بازی‌های تکراری و وابسته به هم که در اصطلاح به آنها «بازی‌های آشیانه‌ای» گفته می‌شود، متغیر بافت اجتماعی بازی، نقش ممتازی دارد. در واقع، بافت اجتماعی، به‌عنوان بافت ساختاری و نهادی، در انتخاب راهبرد بهینه، اقدام به هدایت بازیگر (کنش‌گر) می‌کند. نمونه حقوقی در این خصوص را می‌توان دعاوی وابسته به هم مانند دعاوی خانوادگی نام برد. برای نمونه، دعاوی مطالبه مهریه از سوی زوجه (با فرض استقبال نکردن زوج از دعاوی طلاق) مؤثر در پیامد دعاوی طلاق است. به این ترتیب که اگر دادخواست طلاق از ناحیه زوجه باشد و زوج نیز تمایلی به طلاق نداشته باشد، در این فرض، زوجه باید از مهریه خود چشم‌پوشی کند و با وجود شرایط طلاق، آن را ببخشد. فرض دیگر در این بازی آن است که زوجه دادخواست مهریه را به عنوان ابزار فشار به منظور بازی (همکارانه) طلاق مطرح کند و آن را مقدمه‌ای برای امکان دستیابی به طلاق بداند.

7. Nebel, Bernhard, *An Introduction to Game Theory: Strategic Games*, at: [http:// www.Uni-friburg.de](http://www.Uni-friburg.de), p.33.

می‌کند. به نظر نویسنده آنچه مهم به نظر می‌رسد، انعطاف‌پذیری مدیریت راهبرد از نقطه انتخاب تا مرحله پیامد است. البته این حالت انعطاف، منطقی بودن و چندگزینشی بودن (امکان جایگزینی) راهبردها را نفی نمی‌کند.

راهبردهای بازی امکان دارد همکارانه یا ناهمکارانه باشد. در بازی همکارانه، بازیگران در خصوص منافع بازی به توافق می‌رسند، اما در بازی ناهمکارانه و تقابلی، هر بازیگر به بیشینه‌سازی منافع شخصی فکر می‌کند. گروهی نیز بازی ناهمکارانه را رایج‌ترین بازی‌ها در روابط اجتماعی، و دو نوع راهبرد تهدید معتبر و تهدید غیرمعتبر را ناشی از آن می‌دانند.^۱ بنابراین ممکن است یکی از بازیگران، دیگری را به استفاده از یک راهبرد خاص تهدید کند و چنانچه آن را عملی سازد، نوعی راهبرد تهدید معتبر است. مصداق بارز راهبرد ناهمکارانه در حقوق را باید دادرسی ترافعی بیان کرد. حال آنکه نمونه راهبرد همکارانه و مشارکتی اصحاب دعوا را می‌توان توسل به سازش، میانجیگری، مذاکره و داوری به‌شمار آورد.

۳.۳. پیامدها

هدف از انجام بازی رسیدن به پیامدهای ناشی از بازی^۲ و پیامدهای بازی تابعی از راهبردهای انتخاب شده است. بر همین مبنا باید پیامد ناشی از راهبرد همکارانه و پیامد ناشی از راهبرد ناهمکارانه را از هم جدا کرد. در پیامد ناشی از بازی همکارانه^۳، بازیگران به دنبال تخصیص منافع بازی^۴ هستند. در واقع، راهبرد مشارکتی در فرایند بازی به پیامد مثبت می‌انجامد که این پیامد مثبت را در اصطلاح اقتصادی، بازی غیر جمع صفری یا بازی برد-برد^۵ می‌نامند. برعکس، در بازی ناهمکارانه، فرایند بازی به صورت حذفی است. هر بازیگر به دنبال بیشینه‌سازی سود شخصی و تحمیل بیشترین ضرر به بازیگر مقابل است. پیامد راهبرد ناهمکارانه به صورت برد^۶ باخت یا باخت-باخت است.

ارزیابی پیامد بازی را می‌توان به دو صورت در نظر گرفت: ارزیابی بازی نسبت به هر

1. Shelling, Thomas, op. cit. p. 309

2. Outcome of Game Theory

3. Cooperative Outcome Game Theory

4. Allocate The Payoffs

5. Win * Win Theory

6. Randal C. Picker, *An Introduction to Game Theory and The Law*, Chicago Working Paper in Law & Economics, 1993. p. 7.

بازیگر، و ارزیابی نهایی. از سوی دیگر، ارزیابی نهایی پیامد ممکن است مثبت یا منفی باشد که البته همان طور که گفته شد، بستگی به راهبرد انتخاب شده از سوی بازیگران دارد. نویسنده قائل به تقسیم دیگری از پیامد است که طی آن پیامد به پیامد فرایندی و برآیندی تقسیم می‌شود. در اقتصاد و بیشتر تحلیل‌های در خصوص نظریه بازی‌ها، نوع پیامد، برآیندی است. بنابراین، نتیجه تولید یک محصول، ارائه یک خدمت، مذاکره دو تاجر یا شرکت، همان برآیند بازی است. ولی به فرایند یک بازی نیز باید توجه کرد. برای نمونه، در رسیدگی به پرونده‌های مدنی، زمان رسیدگی، مشارکت دادن اصحاب دعوا در فرایند رسیدگی و به‌طور کلی، ایجاد شرایط دادرسی دموکراتیک و استفاده از فرصت‌های آیینی، نوعی پیامد رضایت‌بخش را در بازیگران به‌وجود می‌آورد که به بازدهی مثبت و عمل بر مبنای شفافیت سوق پیدا می‌کند.^۱

روی هم‌رفته، پیامد و بازدهی هر بازی، یا آن را به تعادل می‌کشاند یا بی‌تعادلی. تعادل در بازی رسیدن به نقطه توازن است که طی آن، نتیجه بازی مثبت و کارآمد^۲ است. تعادل نداشتن در بازی نیز باعث ناکارآمدی پیامد بازی و بازدهی منفی آن می‌شود. روشن است که هر چقدر تعداد بازیگران کمتر، مدت بازی کوتاه، قواعد بازی شفاف‌تر و ماهیت آن موردی (نه تکراری) باشد، امکان دستیابی به پیامد مثبت بیشتر است.

۴. ماهیت بازی‌های دادرسی مدنی

اساساً ماهیت بازی دادرسی مدنی تابعی از انتخاب نوع و شیوه بازی است. چنانچه بازی همکارانه باشد، ماهیت دادرسی انتخابی است^۳، اما غیرانتخابی یا تحمیلی بودن ماهیت

۱. مؤلفه فرایند رسیدگی در تحلیل اقتصادی نظام دادرسی مدنی غیر از مؤلفه فرایند (نتیجه) دادرسی است. چه بسا پیامد نهایی یک دادخواهی، الگوی برد^۰ باخت باشد، اما نارضایتی اصحاب دعوا از نتیجه دادرسی یا زمان بر بودن صدور رأی، درحقیقت، انعکاسی از الگوی باخت^۰ باخت است. از همین رو، در مبنای تحلیل اقتصادی حقوق دادرسی مدنی به مبنای غایت‌مدار و آیین‌مدار پرداخته می‌شود. مبنای آیین‌مدار همان رصد کردن فرایند دادرسی مدنی است. ر.ک. حبیبی درگاه، بهنام، پیشین، ص ۷۴ به بعد.

2. Efficient Outcome

۳. ماهیت بازی‌های دادرسی مدنی دارای دو شاخص اعتباری بودن و غیرثابت (متغیر) بودن است. ماهیت اعتباری بازی‌های دادرسی به ماهیت اعتباری علم حقوق برمی‌گردد که در مقابل ماهیت واقعی قرار می‌گیرد. برای نمونه سفید بودن گچ یا بی‌بو بودن آب، جزء ذات وجودی آنهاست، حال آنکه جرم بودن بردن مال غیر یا لزوم ارائه مستندات دعوا در جلسه اول دادرسی، اعتبار شده‌اند. از طرف دیگر، شاخص متغیر بودن ماهیت بازی‌های دادرسی مدنی به امکان گزینشی بودن رفتارهای دادرسی معطوف می‌شود.

دادرسی، برگرفته از بازی ناهمکارانه می‌باشد. بازی دادرسی امکان دارد متقارن یا نامتقارن نیز باشد. از سوی دیگر، بین بازی دادرسی مدنی همکارانه و ناهمکارانه یک‌سری ماهیت مشترک وجود دارد که در این بخش بررسی می‌شوند.

۱.۴. دادرسی به‌عنوان بازی پویا

بازی‌ها امکان دارد پویا یا ایستا باشند. در بازی‌های ایستا^۱، تغییر شرایط و تحولات زمان در نظر گرفته نمی‌شود و رفتار بازیگرها به صورت هم‌زمان صورت می‌گیرد^۲. ناهمگونی در هنگام عمل بازیگرها یا انجام کار به صورت پیاپی (مرحله‌ای) باعث می‌شود تا بازی‌ها در دسته بازی‌های پویا^۳ قرار گیرند. در این دسته بازی‌ها، فرایند تصمیم‌گیری پیچیده است و تحولات زمان به‌همراه ملاحظه شرایط و اوضاع و احوال در نظر گرفته می‌شود^۴.

به‌نظر می‌رسد که دادرسی نوعی بازی پویا و گسترش یافته شمرده می‌شود. تمایزی نیز بین دادرسی ترافعی و غیرترافعی نیست. در دادرسی مدنی تصمیم اصحاب دعوا (به‌عنوان بازیگران اصلی) و تصمیم دادرس، برگرفته از انگیزه‌های اصحاب دعوا، خواسته‌های اولیه و بعدی آنها، قواعد ماهوی و شکلی حاکم بر دعوا، و شرایط خاص پرونده مطروحه می‌باشد. البته بدیهی است که درجه پویایی در دادرسی همکارانه به دلیل متقارن و کامل بودن اطلاعات دادرسی، بیشتر بوده، پیامد آن نیز شفاف‌تر است.

۲.۴. دادرسی به‌عنوان بازی موردی

به آن بازی که طی آن بازیگرها فقط یک بار با یکدیگر بازی کنند، بازی موردی^۵ می‌گویند. در بازی موردی، اطلاعات دو طرف از یکدیگر و از قواعد بازی تا اندازه‌ای ناقص و نامتقارن است. اما مدل بازی تکراری مربوط به حالتی است که در آن بازی بیش از یک‌بار انجام می‌پذیرد. در بازی تکراری^۶، روند بازی را می‌توان پیش‌بینی کرد و پیامد ناشی از آن را

1. Static Games

2. Branislav L. Slantchev, **Game Theory: Static and Dynamic Games of Incomplete Information**, University of California, 2008, p.8.

3. Dynamic Games

۴. دادگر، یداله، پیشین، ص ۳۲۵

5. One ° Off Game

6. Repeated Game

تا حدودی می‌توان تخمین زد^۱. در بازی تکراری، چه بازی با دفعات معین یا نامعین و چه بازی با اطلاعات کامل یا ناقص، به مرور انضباط در رفتار بازیگران حاصل شده، زمینه همکاری آنها فراهم می‌شود.

به نظر نویسنده، اگرچه بازی تکراری در تعاملات تجاری و در بازار اقتصاد آزاد برای ایجاد رویه تجاری و توسعه اقتصادی امری ضروری است، برعکس، تکرارپذیری دعاوی^۲ در بازار ترافعات و دعاوی، سهم مهملکی در روابط تجاری پایدار دارد. بنابراین ماهیت دادرسی را باید نوعی بازی موردی شمرد. همچنین اصل تکرارناپذیری دادرسی را می‌توان وجه دیگر قاعده اعتبار امر مختومه دانست که به موجب آن، نمی‌توان به یک دعوا بین افراد معین دو بار رسیدگی کرد. از سوی دیگر، تعادل در بازار دعاوی بر مبنای نظریه عرضه و تقاضا در ماهیت و قرائت از فلسفه آنها، متفاوت با عرضه و تقاضا در بازار معاملات است. به عبارت بهتر، هرچه تقاضای دادرسی کمتر و عرضه خدمات حقوقی بیشتر باشد، به همان اندازه دستیابی به تعادل سرعت می‌گیرد.

برای دادرسی مدنی می‌توان بر مبنای نوع رفتار بازیگران دادرسی، ماهیت انتخابی یا تحمیلی نیز قائل شد؛ به صورتی که دادرسی همکارانه را باید دارای ماهیت انتخابی دانست و در مقابل، دادرسی ناهمکارانه را ماهیتی غیرانتخابی (تحمیلی) به‌شمار آورد که طی گفتاری مستقل و در بحث انواع بازی دادرسی مدنی به آنها پرداخته خواهد شد.

۵. عوامل انتخاب نوع بازی

واضح است که نوع بازی برگرفته از انتخاب یک‌سویه بازیگر (مانند روش دادگاه) یا انتخاب دوسویه بازیگرها (مانند روش داوری) است. مقوله انتخاب نیز به‌عنوان یک پدیده روانی- اجتماعی ناشی از عواملی چون بافت اجتماعی^۳ اقتصادی جامعه، قواعد دادرسی، نهادهای دادرسی، فرهنگ دادرسی و انگیزه اصحاب دعواست.

۱. پیشین، ص ۳۲۶.

۲. تکرارپذیری دعاوی به معنای استمرار اختلافات است و در مکتبی اتفاق می‌افتد که دادخواهی را برای دادخواهی (litigation for litigation) می‌خواهند و نه دادخواهی را برای عدالت (litigation for justice). به همین دلیل است که در نگرش «دادخواهی برای دادخواهی»، فراوانی دعاوی همراه با سوءنیت همچون دعاوی تباخی، دعاوی واهی، دعاوی ایذایی و جز آن نسبت به نگرش دیگر که عقلایی‌تر است، بیشتر می‌باشد.

۱.۵. مفهوم انتخاب

نظریه انتخاب^۱ در زمره مباحث روان‌شناسی مثبت و مهارت‌های فردی است که طی آن هر فردی به دلیل داشتن اراده مستقل می‌تواند روش، رفتار و تصمیم خود را انتخاب کند. این نظریه نوعی واقعیت‌درمانی است که روان‌شناس معروف، ویلیام گلاسر، آن را اساسی برای روان‌شناسی نوین آزادی شخصی می‌داند.^۲

مقوله انتخاب^۳ در نظریه‌بازی‌ها جایگاه ویژه‌ای دارد و رفتار بازیگران دادرسی برآمده از انتخاب این رفتار از میان دیگر رفتارهایی است که بازیگر می‌تواند آنها را انتخاب کند. در واقع، اولویت‌بندی انتخاب فرد به عوامل درونی و بیرونی انتخاب بستگی دارد. عوامل درونی انتخاب به شخص انتخاب‌گر برمی‌گردد. عامل انگیزه و عقلانیت فردی در محدوده عوامل درونی انتخاب هستند.^۴ عوامل بیرونی انتخاب نیز به بافت اجتماعی^۵ اقتصادی جامعه، فرهنگ اجتماعی، نوع سازمان و نهادهای عمومی و قوانین و مقررات جامعه برمی‌گردد. دخالت دادن عوامل بیرونی انتخاب از سوی بازیگر عاقل، ممکن است به عقلانیت اجتماعی رفتار انتخابی بینجامد.

نظریه انتخاب در حوزه دادرسی مدنی نیز از نظر روان‌شناسی فردی و نوع رفتار بازیگران دادرسی اهمیت شایانی دارد. انتخاب دادگاه به‌عنوان نخستین یا آخرین راه‌حل اختلاف یا انتخاب مسیر مذاکره و سازش برای حل اختلاف از نمودهای این نظریه در رفتارشناسی دادرسی افراد است. بنابراین، انتخاب‌های بازیگران دادرسی در گرو میزان تأثیر عوامل برشمرده بر نوع انتخاب در تمام مراحل حل اختلاف است.^۵

عنصر انتخاب از دیدگاه تحلیل اقتصادی نظام دادرسی، با لحاظ عوامل متشکله انتخاب

1. Choice Theory

۲. گلاسر، ویلیام، (۱۳۸۴)، *نظریه انتخاب*، ترجمه فیروزبخت، مهرداد، ص ۱۶، نشر رسا

۳. بین نظریه انتخاب و نظریه انتخاب عمومی (public choice) تفاوت وجود دارد. نظریه انتخاب عمومی مربوط به اقتصاد سیاسی کشورها می‌شود. برای مطالعه درباره نظریه انتخاب عمومی ر.ک. ورنون، کاترین و الیوت، کاترین (۱۳۸۴)، *نظریه انتخاب عمومی*، ترجمه جسمی، یوسف و دیگران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

4. Hodgson M. Geoffrey, *On The Limits Of Rational Choice Theory*, University of Hertfordshire, 2013, p.94

5. see Herbert, Gintis, *Behavioral Game Theory and Contemporary Economic Theory*, Analyse & Kritik 29, 2005, p.3

(نهایی)، متمرکز در روش انتخابی است که ویژگی کارایی را داشته باشد. از همین رو، دو فرض «اولین بهترین انتخاب» و «دومین بهترین انتخاب» شکل می‌گیرد. منظور از اولین بهترین انتخاب^۱ در تحلیل اقتصادی دادرسی، مشعر بر انتخاب مناسب‌ترین الگوی دادرسی برای حل اختلاف است. در این فرض، سازش بهتر از داوری، و داوری بهتر از الگوی دادگاهی است. بنابراین برای نمونه، الگوی داوری به دلیل قراردادی بودن، مشارکتی بودن و درونی کردن هزینه‌ها، به‌ویژه در دعاوی مالی و بازرگانی، مناسب‌تر از روش دادرسی دادگاه‌محور ارزیابی می‌شود.

۲.۵. عوامل مؤثر بر انتخاب رفتار دادرسی

دو عامل فردی (درونی) و اجتماعی (بیرونی) مؤثر بر نوع انتخاب رفتار دادرسی است که به‌طور جداگانه به آنها اشاره خواهد شد.

۱.۲.۵. عامل فردی

دعاوی حقوق خصوصی از ابتکار عمل شخصی برخوردارند؛ یعنی دادگاه‌ها رأساً نمی‌توانند به‌دعوی که تقدیم نشده یا به‌خواسته‌ای که مطرح نشده است، رسیدگی و انشای رأی کنند. به همین دلیل است که باید اصحاب دعوا را مالک دعوا به‌شمار آورد و اراده آنها را در انجام و سرانجام دعوی، تعیین‌کننده دانست. از سوی دیگر باید پذیرفت که رفتارشناسی دادرسی اصحاب دعوا ناشی از انگیزه و فرض حد انتظار آنهاست.

انگیزه اقامه دعوا امکان دارد برای دستیابی به حق مورد ادعا، حربه‌ای با هدف ذخیره زمان یا مقدمه‌ای برای احتمال توفیق در دعوی دیگر باشد. به‌هرحال، باید بین انگیزه همراه با حسن‌نیت و انگیزه توأم با سوءنیت تفاوت قائل شد. مصادیق دعوی توأم با سوءنیت را می‌توان دعوی تبانی، دعوی ایذایی، دعوی تکراری و دعوی واهی برشمرد. در این‌گونه دعوی، خواهان به دنبال اخاذی قضایی، گریز از ادای حق یا خرید زمان است. اما در دعوی همراه با حسن‌نیت، ادعای تضییع حق و مطالبه آن، اساس انگیزه مدعی می‌باشد.^۲ دعوی همراه با حسن‌نیت نیز عموماً دارای معیار اهرم فشار (قانونی) و تخمین

1. The First Best Selection

۲. برای مطالعه کافی و کامل درباره انگیزه دادخواهی، ر.ک. حبیبی درگاه، بهنام، پیشین، ص ۴۱ به بعد.

ارزش پیگیری است^۱. روشن است که دعوای توأم با سوءنیت باعث تولید ارزش منفی و افزایش هزینه‌های نظام دادرسی مدنی می‌شوند.

متغیر دیگر در تأثیر عامل فردی را باید فرض انتظار مثبت بازیگران دادرسی محاجه نمود. به‌طور کلی انتظار اصحاب دعوا، به‌ویژه خواهان، در قیام به دعوا مثبت است. به عبارت ملموس‌تر، افراد در طراحی دعوای نسبت به نتیجه آن خوش‌بین‌اند و این خوش‌بینی تبدیل به «حد انتظار» می‌شود. درواقع، انگیزه‌های احساسی و تا اندازه‌ای غیرواقعی و ناآگاهی حقوقی از عوامل متشکله، فرض حد انتظار مثبت است. اثر این فرض در تشویق مدعی برای اقامه دعواست. حال آنکه اگر شرایط دعوا بدون تأثیر انگیزه‌های احساسی در نظر گرفته شود، چه‌بسا که فرد مدعی به حد انتظار منفی رسیده، از اقامه دعوا منصرف شود.

۲.۲.۵. عامل اجتماعی

در مقوله انتخاب بازیگران دادرسی، بافت اجتماعی، فرهنگی و قانونی در کنار ساختار سیستم قضایی مؤثر است. متغیر قانونی مشعر بر قوانین و مقررات ماهوی یا شکلی است. این مقررات در مدل‌سازی دادرسی نقش بنیادین ایفا می‌کند. رویکرد قانون‌گذار در طراحی مهندسی دعوای، با کنترل دعوای و مدیریت آنها رابطه تنگاتنگ دارد. بنابراین، قوانین و مقررات به‌نحو ایجابی یا سلبی، نقشی چشمگیر در پردازش انگیزه اصحاب دعوی و انتخاب آنها دارد. درواقع، بازیگران دادرسی با عنایت به گزاره‌های قانونی و ضمانت اجرای مقرر، اقدام به سنجش ادعا و اتخاذ تصمیم مقتضی می‌کنند^۲.

از نگاه جامعه‌شناسی حقوقی نیز مهندسی اختلاف‌های جامعه معین، بدون ملاحظه و شناخت رفتارهای مردمان آن جامعه، از کارایی و تأثیر متوقع برخوردار نیست^۳. فرهنگ جامعه به‌عنوان ارزش‌ها و هنجارهای اعتقادی و رفتاری، متمم هنجارهای نظام دادرسی مدنی شناخته می‌شود. بنابراین درجه کارکرد نظام دادرسی برآوردی از آموزه‌های فرهنگ

1. Cornu, Gerard, *les principes directeurs du proce civil par eux-memesm, fragment d,unetatdequestions*, m, langes Pierre bellet, paris, litec, 1991, p.91.

۲. برای مطالعه بیشتر، ر.ک. الماسی، نجادعلی و حبیبی درگاه، بهنام، «بررسی اصول حاکم بر قوانین کارآمد از منظر تحلیل اقتصادی حقوق»، *مجله اندیشه‌های حقوق خصوصی*، دوره ۸، شماره ۱۹، زمستان ۱۳۹۱.

3. Holden, Livia, *Culture, Expertise and Litigation: Pathern, Conflicts, Narratives* Routledge Publication, USA, 2011, p.11.

حاکم بر جامعه است. روشن است که فرهنگ عمومی و دادرسی بخشی از باورداشتهای بازیگران دادرسی در فرایند انتخاب الگوی دادرسی احتجاج می‌شود. به‌عنوان عامل دیگر مؤثر در انتخاب بازیگران دادرسی، باید ساختار سیستم قضایی و مدیریت حاکم بر آن را ارزیابی کرد. دسترسی به سیستم قضایی، شفافیت عملکرد، سلامت و کارآمدی سیستم قضایی از متغیرهای مهم در انتخاب بازیگران دادرسی شمرده می‌شوند. این متغیرها در ایجاد اعتماد قضایی بین شهروندان و درنهایت، فراهم کردن امنیت قضایی اهمیت شایانی دارند.

۶. انواع بازی دادرسی مدنی

سه نوع بازی دادرسی را بر مبنای رفتارهای قابل پیش‌بینی بازیگران دادرسی، قبل و هنگام دادرسی می‌توان در نظر گرفت. همان‌طور که گفته شد، انتخاب هر کدام از این بازی‌ها به عوامل درونی و بیرونی انتخاب بستگی دارد. در اینجا به بازی همکارانه، ناهمکارانه و مختلط به اختصار پرداخته خواهد شد.

۶.۱. بازی دادرسی همکارانه

دادرسی همکارانه یا مشارکتی آن گونه از دادرسی است که اراده بازیگران دادرسی تأثیر بسزایی در انتخاب نوع دادرسی یا روند دادرسی و اجرای آن دارد. این تأثیر ممکن است از کمترین یا بیشترین سهم برخوردار باشد. دادرسی همکارانه هم در دادرسی ترافیکی و هم در دادرسی گفتمان محور امکان وقوع دارد. در واقع، مشارکت بازیگران دادرسی و اهتمام بر آن جزء جدایی‌ناپذیر دادرسی دموکراتیک است.^۱

بر اساس زمان و سطح همکاری باید قائل به تفکیک شد. همکاری در انتخاب زمین بازی، مهم‌ترین حد همکاری بازیگران دادرسی است که طی آن زمین بازی یا همان نوع دادرسی انتخاب می‌شود. در این حالت، دادرسی امکان دارد در زمین خصوصی، از قبیل میانجیگری، مذاکره، سازش و داوری، یا زمین عمومی، مانند دادگاه‌های دادگستری، باشد.

۱. امروزه حتی بحث از دادرسی‌های قراردادی است. در گذشته شاخص‌های دادرسی دموکراتیک عبارت بود از علنی بودن دادرسی، بی‌طرفی دادرسی و استقلال قضایی، اما امروزه شاخص‌های دیگری مانند ایجاد فرصت‌های برابر آیینی برای بازیگران دادرسی و تأمین بسترهای لازم برای مشارکت آنها نیز شرط است.

انتخاب زمین دادرسی آثار زیادی دارد. برای نمونه، انتخاب شیوه دادگاهی موجب می‌شود تا تشریفات دادرسی بخشی از روند دادرسی تلقی شود؛ درحالی که در شیوه داوری به رعایت تشریفات معمول دادرسی نیازی نیست.^۱

وجه دیگر از همکاری در خصوص قواعد دادرسی است. قواعد دادرسی در برگیرنده ارشاد بازیگران و توزیع فرصت‌های دادرسی با هدف سامان‌دهی جریان رسیدگی است. هرچند این قواعد در دادرسی دادگاهی تا اندازه‌ای از ناحیه بازیگران دادرسی تعدیل‌پذیر است، اما اختیار انتخاب قواعد دادرسی در رسیدگی‌های خصوصی عینی و ملموس‌تر است. برای مثال، بازیگران دادرسی می‌توانند با همکاری و توافق حق اعتراض را از خود سلب کنند، درخواست استمهال کنند یا نظر کارشناسی را قاطع دعوا بدانند، اما این همکاری تا جایی است که به نظم عمومی دادرسی خللی وارد نشود. حال آنکه تمامیت فرایند رسیدگی، شیوه رسیدگی، زمان و مکان و زبان رسیدگی، نوع ابلاغ و نحوه اجرای آرای صادره در شیوه رسیدگی همچون داوری، ممکن است بر اساس توافق و مشارکت بر سر قواعد انتخابی قرار گرفته باشد.

همکاری بازیگران دادرسی نه تنها در انتخاب نوع دادرسی و انتخاب قواعد دادرسی مؤثر در سامان‌دهی مطلوب به دعواست و می‌تواند دعوا را از یک تهدید و بحران به یک فرصت برای بازتوزیع منابع تبدیل کند، بلکه این همکاری در مرحله اجرای آرای صادره نیز نقش بسزایی ایفا می‌کند.

به‌طور کلی، مشارکت بازیگران دادرسی، چه در مرحله پیش از اقامه دعوا و چه در هنگام دعوا، تابعی از درجه فرهنگ حقوقی، قضایی و بازتابی از حسن‌نیت آنها برای حل اختلافات به‌شمار می‌آید. مشارکت موجب می‌شود تا رضایت آیینی بازیگران از سیستم قضایی ارتقا یابد. همچنین سیاست تقنینی در تشویق به همکاری و تعریف مشوق‌های مناسب سبب می‌شود تا هزینه‌های عمومی دادرسی کنترل شده، اختلافات به دلیل قابل پیش‌بینی بودن

۱. بر اساس ماده ۴۷۷ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ش: «داوران در رسیدگی و رأی، تابع مقررات قانون آیین دادرسی نیستند ولی باید مقررات مربوط به داوری را رعایت کنند».

رفتارهای دادرسی به‌طور واقعی و نه صوری دفع گردند.^۱

۲.۶. بازی دادرسی ناهمکارانه

بازی ناهمکارانه یا غیرمشارکتی^۲ گونه‌ای بازی است که طی آن بازیگران بدون توافق الزام‌آور^۳ و با هدف دستیابی به بهترین منافع فردی دست به انتخاب راهبردهای بازی می‌زنند.^۴ در این بازی که شایع‌ترین آن است، هر فردی به غیر از مطلوبیت نهایی بازی (دادرسی)، فقط به فکر بازدهی مثبت نتیجه بازی در قبال خودش است.

جان نش در مقاله‌ای بازی ناهمکارانه را ناشی از رقابت بازار و تفکر بده‌بستان قلمداد^۵ می‌کند. وی بر آن است که همکاری نکردن افراد در رویارویی با تعارض منافع، امکان دارد به ازدیاد عقلانیت فردی در انتخاب استراتژی‌ها کمک کند. البته ناگفته پیداست که تشریح مساعی بازیگران به‌منظور تقسیم منافع، اولویت اقتصادی و توجیه اخلاقی دارد.

منطق بازی ناهمکارانه تا حدودی محافظه‌کارانه است؛ به همین دلیل احتمال انحراف بازی وجود دارد.^۶ فراوانی دعاوی با سوءنیت در این نوع از بازی‌ها بالطبع بیشتر است. نگرش جنگ‌گون و غیرسازشی بازیگران به بازی و رفتارهای حذفی دلیلی برای غیرقابل پیش‌بینی بودن رفتارها و به پیروی از آن ایجاد غش در رفتارهای دادرسی^۷ است.

بازی ناهمکارانه (محض) اصولاً در دادرسی‌های ترافیعی (دادگاه‌محور) رخ می‌دهد. بنابراین رفتارهای تهدیدآمیز و توسل به هر ابزار موجه یا غیرموجه برای اثبات ادعا یا دفاع امکان‌پذیر است.

نتیجه بازی ناهمکارانه از الگوی برد^۸ باخت و مجموع جمع صفری بهره می‌برد. این

۱. برخی، هزینه‌های دادرسی را که شامل هزینه‌های خصوصی و عمومی است به‌اضافه ارزش واقعی خواسته، قیمت دعوا می‌دانند. این نگرش بر آن است که اطلاعات متقارن (asymmetric information) موجب تعدیل هزینه‌های دادرسی است. از همین رو، همکاری اصحاب دعوا عامل اساسی در دستیابی به اطلاعات متقارن به‌شمار می‌آید:

Rasmusen, Eric, **Law and Game Theory**, at: <http://www.rasmusen.org/papers/pdf,2006,p.2>

2. non-cooperative game

3. binding agreement

4. Nash, John, **Non-cooperative Games**, The Annals of Mathematics, Second Series, Vol.54, Issue 2, 1951, p.287.

5. Trade-off Attitude

۶. انواع انحراف بازی را می‌توان طرح دعاوی واهی یا بی‌بنیان از قبیل دعاوی ایذایی و دعاوی تباری یا برخوردهای قهرگون و گستاخانه همچون شرکت نکردن غیرموجه در جلسات دادرسی نام برد.

۷. ابهام یا تقلب در رفتارهای دادرسی از نمونه‌های بارز غش در رفتار دادرسی است.

الگو در شرایطی روی می‌دهد که اقتضانات اجتماعی و انگیزه‌های انتقام‌جویی را در رفتارهای دادرسی تزریق می‌کند یا فرهنگ دادرسی ضعف‌های بنیادینی دارد و یا سیاست‌های تقنینی و اجرایی، زمینه‌ساز محکمی برای امکان همکاری و مشارکت بازیگران نبوده‌اند.

در حال، بازی ناهمکارانه در دادرسی مدنی بر دسترسی به تعادل بازی تأثیر می‌گذارد و به هزینه‌های عمومی دادرسی می‌افزاید.^۱

۳.۷. بازی دادرسی مختلط

ممکن است یک بازی که به شیوه ناهمکارانه شروع شده است، در ادامه تبدیل به بازی همکارانه شود و برعکس. بنابراین دو الگوی بازی در دادرسی مختلط نیز می‌توان عرضه کرد:

۱.۳.۷. الگوی اول

الگوی اول مشعر بر تبدیل بازی ناهمکارانه به بازی همکارانه و مشارکتی است. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، استراتژی و انتخاب (نهایی) بازیگران ممکن است هنگام بازی دستخوش تغییر شود. از همین رو، چند گزینشی بودن مقوله انتخاب جزء رفتارهای مورد انتظار در فرایند دادرسی مدنی است.

علت تبدیل بازی ناهمکارانه به همکارانه به عوامل درونی و بیرونی انتخاب برمی‌گردد. از جمله عوامل درونی، انگیزه طرفین یا قناعت آنها به تقسیم منافع دعواست. عوامل بیرونی را می‌توان تکلیف مقام قضایی در ارشاد طرفین به همکاری، از قبیل سازش، یا پیروی از دیدگاه‌های افراد بانفوذ، همچون وکلای دادگستری، برشمرد. این الگو در همه انواع دعاوی مدنی امکان تحقق دارد، اما احتمال آن در دعاوی عاطفی مدار^۲ یا دعاوی ناشی از روابط تجاری مستمر بیشتر است.

۱. امکان تجدید دعوا یا نپذیرفتن نتیجه دعوی که نمود آن در اجرا نکردن اختیاری آرای دادگاه‌هاست، از دیگر آثار بازی ناهمکارانه به‌شمار می‌آید. یکی از نویسندگان به نام دانیل بنت، اظهار می‌دارد آنچه موجب ورشکستگی تاجر می‌شود، نه هزینه‌های درشت، بلکه هزینه‌های جزئی است. همچنین آنچه موجب شکست (نهایی) دعوا و هزینه آن بیش از منافعش می‌شود، هزینه‌های عمومی و پنهانی (Hidden Costs) دادرسی است. Bent A, Daniel, **Game Theory Explains How Mediation Can**

Trump Litigation, at: www.ssrn.com, 2001, p.2

۲. عموم دعاوی خانوادگی از نمونه‌های بارز دعاوی مبتنی بر عاطفه‌اند.

در قوانین موضوعه ایران می‌توان نمونه‌های انقلاب در رفتار دادرسی با الگوی همکاری ثانویه را پیدا کرد. نمونه اول در خصوص سازش بازیگران دادرسی است. ماده ۱۷۸ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ش، به بازیگران دادرسی فرصت سازش را در هر مرحله از دادرسی داده است. در واقع، قانون‌گذار ایران در مقررات ماهوی و طی مواد ۷۵۴ و ۷۶۶ از قانون مدنی، صلح دعاوی را اگرچه مورد انکار و مربوط به دعاوی احتمالی، فرضی و آتی باشد، پذیرفته است. بنابراین در مقررات ماهوی ناشی از توافق محور بودن و مشارکتی بودن حل اختلافات، رویکرد تسامحی به صلح دعاوی ارزیابی می‌شود.

سیاست‌های قانونی مناسب، مانند تکرارپذیری درخواست سازش^۱، هزینه‌ای معادل هزینه دعاوی غیرمالی داشتن^۲، پیرو تشریفات دادرسی نبودن و کنترل ریسک اطلاعات ناشی از سازش^۳، در زمره برخی ابزارهای تشویقی شیوه خصوصی حل اختلاف هستند. همین رویکرد در نمونه دوم نیز وجود دارد. درخواست داوری یا واگذاری دعوا به داور از سوی بازیگران دادرسی، از موجبات همکاری ثانویه در جریان دادرسی توافقی شمرده می‌شود. قانون‌گذار ایران به صراحت پذیرفته است که بازیگران دادرسی می‌توانند با تراضی یکدیگر منازعه و اختلاف خود را، خواه در دادگاه‌ها طرح شده یا نشده باشد و در صورت طرح، در هر مرحله‌ای از رسیدگی که باشد، به داوری یک یا چند نفر ارجاع دهند^۴. بنابراین چه شیوه سازش و چه شیوه داوری به دلیل مشارکتی بودن، فارغ از طرح دعوا به صورت توافقی، بر الگوی ناهمکارانه برتری داشته، بر رسیدگی دادگاه محور اولویت دارد.

۱. ماده ۱۹۲ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ش: «طرف از حضور در دادگاه یا عدم قبول سازش بعد از حضور در هر حال مانع نمی‌شود که طرفین بار دیگر از همین دادگاه یا دادگاه دیگر خواستار سازش شوند».

۲. تبصره ماده ۱۹۳: «درخواست سازش با پرداخت هزینه دادرسی دعاوی غیرمالی و بدون تشریفات مطرح و مورد بررسی قرار خواهد گرفت».

۳. ماده ۱۸۵: «هرگاه سازش محقق نشود، تعهدات و گذشت‌هایی که طرفین هنگام تراضی به سازش به عمل آورده‌اند، لازم‌الرعایه نیست».

۴. ماده ۴۵۴: «کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوا دارند می‌توانند با تراضی یکدیگر منازعه و اختلاف خود را خواه در دادگاه‌ها طرح شده یا نشده باشد و در صورت طرح در هر مرحله‌ای از رسیدگی باشد، به داوری یک یا چند نفر ارجاع دهند».

۲.۳.۷. الگوی دوم

الگوی دوم در دادرسی مدنی مختلط، تبدیل شدن بازی همکارانه به بازی ناهمکارانه است. اینکه چرا بازی دادرسی همکارانه به ناهمکارانه تبدیل می‌شود، به همان عوامل درونی و بیرونی پیش‌گفته برمی‌گردد. اما این نوع بازی را باید به لحاظ نوع زمین بازی گزینش‌شده، از یکدیگر تفکیک نمود. از سوی دیگر، همین الگو در جریان دادرسی نیز جداگانه باید مدنظر قرار گیرد.

چنانچه بازیگران دادرسی زمین خصوصی را برای دادرسی انتخاب کنند و این انتخاب ناشی از توافق آنها باشد، لازم‌الاجرا است. برای نمونه، اگر بازیگران در موافقت‌نامه داوری یا در شرط قراردادی، مأخوذ به داوری شده باشند، در این حالت، امتناع از دادرسی قراردادی نافذ نیست؛ مگر اینکه هر دو بازیگر با توافق جداگانه دادرسی خصوصی را کنار بگذارند. بنابراین فرض انتخاب دادرسی خصوصی از ناحیه بازیگران، آنها را به پیمان‌شان پایبند می‌کند و فقط در صورتی این همکاری کنار گذاشته می‌شود که اراده هر دو بازیگر موجبی برای عدول از این پیمان باشد.

فرض دیگر در همکاری طرفین، ممکن است درباره مدیریت جریان دادرسی به لحاظ عناصر آن باشد. برای نمونه، در رسیدگی‌های دادگاه‌محور، طرفین ممکن است به شیوه داوری یا سازشی توافق کنند که در چنین فرضی، مقام قضایی مکلف به اتخاذ تصمیم شایسته و احترام گزاردن به ابتکار خصوصی بازیگران دادرسی است. همکاری بازیگران در این فرض نیز ممکن است دگرگون شود که باز نیازمند توافق دیگری است.

گاهی همکاری و تشریک مساعی بازیگران دادرسی ممکن است در جریان رسیدگی خصوصی یا عمومی (دادگاهی) باشد. همکاری بازیگران در جریان رسیدگی خصوصی غیر از همکاری آنها در انتخاب شیوه دادرسی خصوصی است. به عبارت دیگر، بازیگران ممکن است شیوه داوری را برگزینند؛ درحالی که قواعد حاکم بر رسیدگی را از قبیل مدت داوری، شخص داور، زمان و مکان داوری، شیوه ابلاغ رأی داوری و غیره را تعیین نکرده باشند، یا اینکه ممکن است افزون بر انتخاب نوع دادرسی، قواعد رسیدگی را نیز معین کرده باشند. درهرحال چنانچه همکاری در انتخاب نوع دادرسی بوده، اما همکاری نکردن در جریان

رسیدگی باشد، این موضع ناهمکارانه جریان رسیدگی را متوقف نکرده، مقام رسیدگی کننده به مدیریت دعوا ادامه می دهد. اما در رسیدگی های توافقی (دادگاه محور) اگر همکاری بازیگران با یکدیگر در راستای مدیریت جریان رسیدگی توافق شود و خللی در نظم عمومی دادرسی نیز ایجاد نکند، نافذ و لازم الاجرا است. برای نمونه یکی از بازیگران یا هر دو در قبال یکدیگر ملتزم به رعایت برخی فرصت های آیینی یا محدودیت در استفاده از حقوق آیینی (شکلی) همچون حق تجدیدنظرخواهی شده اند؛ این گونه تعهدات لازم الاجرا بوده، مورد توجه مقام قضایی قرار خواهد گرفت. از همین رو، همکاری نکردن یکی از بازیگران نمی تواند سببی برای نادیده گرفتن سند همکاری و توافق آنها باشد.

نتیجه

نظریه بازی های دادرسی مدنی به دنبال واکاوی رفتار بازیگران دادرسی است. در این نظریه «دادرسی» به عنوان «یک بازی» موردی و پویا در نظر گرفته می شود که اصحاب دعوا بازیگران اصلی آن هستند. این نظریه بر آن است که هر چند قواعد دادرسی و حقوقی در «رفتار» بازیگران دادرسی مؤثر است، اما در «رفتارشناسی قضایی» عوامل زیادی مؤثرند که یکی از این عوامل را می توان قواعد حقوقی به شمار آورد. نظریه بازی با نگرش هنجاری در پی شناسایی رفتارهای مبتنی بر عقلانیت است. رفتارهای دادرسی عقلانی نیز در گرو سیاست تقنینی^۵ اجرایی روزآمد و توسعه فرهنگ حقوقی جامعه است. اهتمام حداکثری به اراده بازیگران دادرسی برای مشارکت حداکثری آنها در جریان دادرسی، از دیگر آورده های نظریه بازی است. همچنین مطلوب ترین بازی در این نظریه، بازی همکارانه بازیگران دادرسی است که موجب می شود تا حل اختلاف به تعادل و نقطه بهینه برسد.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. حبیبی درگاه، بهنام (۱۳۹۲)، *حقوق و اقتصاد*، انتشارات جنگل جاودانه.
۲. دادگر، یداله (۱۳۸۹)، *مؤلفه‌ها و ابعاد اساسی حقوق و اقتصاد*، انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس و نور علم.
۳. عبدلی، قهرمان (۱۳۹۲)، *نظریه بازی‌ها و کاربردهای آن*، انتشارات سمت.
۴. گلاس، ویلیام (۱۳۸۴)، *نظریه انتخاب، ترجمه فیروزبخت*، مهرداد، نشر رسا.
۵. الماسی، نجادعلی و حبیبی درگاه، بهنام «بررسی اصول حاکم بر قوانین کارآمد از منظر تحلیل اقتصادی حقوق»، *مجله اندیشه‌های حقوق خصوصی*، دوره ۸، شماره ۱۹، زمستان ۱۳۹۱.
۶. ورنون، کاترین و الیوت، کترین (۱۳۸۴)، *نظریه انتخاب عمومی*، ترجمه جسمی، یوسف و دیگران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۷. یکانگی دستگردی، وحید، «تئوری بازی‌ها»، *دانشنامه اقتصاد تسهر*، شماره ۸، زمستان ۱۳۸۹.

ب) خارجی

8. Arthur J., Jacobson, (2008), *Origins of The Game Theory* , Cardozo Law Review, Vol.20.
9. Baird D, (1994), *Game Theory* , Harvard University, Press.
10. Branislav L. Slantchev, (2008), *Game Theory: Static and Dynamic Games of Incomplete Information* , University of California.
11. Cooter, Robert, (1989), Economic Analysis of Legal Disputes and Their Resolution , *Journal of Economic Literature*.
12. Cornu, Gerard, (1991), *les principes directeurs du proces civil par eux-memes, fragment d'un etat de questions* m] anges Pierre

bellet,paris,litec.

13. Douglas G.Baird, RobertGertner, Randal, Picker, (1998), *Game Theory and The Law* , Harvard University Press.
14. Eric B.Rasmusen, (2008), *Game Theory and the Law* , Edward Elgar Pub.
15. Hazewinkel, Michiel, (2001), *Game Theory* , Springer.
16. Herbert, Gintis, (2005), *Behavioral Game Theory and Contemporary Economic Theory* , Analyse & Kritik 29.
17. Hodgson M, Geoffrey, (2013) *On the Limits of Rational Choice Theory* , University of Hertfordshire.
18. Holden,Livia, (2011), *Culture, Expertise and Litigation: Pathern, Conflicts, Narratives* Routledge Publication, USA.
19. Katarzyna ,Zbiec, (2006), "*Conflict and Cooperation in Terms of Game Theory*", Bialystok University.
20. Nash, John, (1951), *Non – cooperative Games* , The Annals of Mathematics, Second Series, Vol.54, Issue 2.
21. Nebel, Bernhard, *An Introduction to Came Theory : Strategic Games* , at: <http://www.Uni-friburg.de>,p.33.
22. Png, Ivan, (1983), *Strategic Behavior in Suit, Settlement and Trial* , The Bell Journal of Economics.
23. Randal C., Picker, (1993), *An Introduction to Game Theory and the Law* , Cicago Working Paper in Law & Economics.
24. Rasmusen, Eric, (2006), *Law and Game Theory* , at: <http://www.rasmusen.org/papers/pdf>.
25. Richard, Thaler&Christine, Jolls&CassR. Sunstein, *A Behavioral Approach to Law and Economics* , Stanford Law Review, Vol 50.
26. Robert, G. Bone, (2002), *The Economics of Civil Procedure* , Foundation Press.
27. Schelling, Thomas C, (1960), *Strategy of Conflict* , Harvard University Press.

28. Straffin. Philip, (1993), *Game Theory and Strategy* Published in Washington by The Mathematical Association of America.
29. Wolfgang, Ryll, (1996), *Litigation and Settlement in a Game With Incomplete Information* , Springer Pub.

